



راهبردهای نفوذ آمریکا بعد از اجرای برجام

نادر قیطاسی



راهبردهای نفوذ آمریکا بعد از اجرای برجام

مؤلف: نادر قیطاسی

صفحه آرایی: محسن مکرمی

طراحی جلد: محسن مکرمی

ناشر: ماه ناز

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۲۸۴-۱-۰

چاپ: اول ۱۳۹۹

آدرس ناشر ایلام - بلوار دانشجو، روبروی دانشگاه پیام نور، مجتمع تجاری آریان
همراه: ۰۹۳۸۶۳۰۳۴۲۲-۰۹۱۸۷۴۵۸۵۶۵

تقدیم ہے:

نور دیدہ ام (فریدہ الیاسوریان) و

دو گل باغ زندگیم حسام خانہ

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: چارچوب نظری

۱۲ کلیات مربوط به جنگ نرم
۱۲ تعاریف از جنگ نرم
۱۴ قدرت نرم؛ نگاهی نو به رقابت در سیاست بین‌الملل
۱۸ فواید و ارزش قدرت نرم
۱۸ تفاوت بین قدرت نرم و قدرت سخت
۲۰ ویژگی‌های قدرت نرم
۲۱ منابع تهدید نرم
۲۳ فضاهای جنگ نرم
۲۳ تهدید نرم در فضای اجتماعی
۲۴ تهدید نرم در حوزه سیاسی
۲۵ تهدید نرم در حوزه فرهنگی
۲۷ روش‌های اعمال تهدید نرم
۲۸ روش‌های گفتاری
۲۹ روش‌های رفتاری
۳۰ چارچوب نظری تحقیق
۳۲ منابع قدرت نرم از دیدگاه جوزفینای
۳۶ محدودیت‌های قدرت نرم
۳۷ محدوده قدرت نرم
۳۸ قدرت در عصر جهانی اطلاعات

فصل دوم: سیر تاریخی روابط ایران و آمریکا

- روابط ایران و آمریکا از آغاز تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی ۴۲
- تحولات تاریخی روابط ایران و آمریکا پس از انقلاب اسلامی ۴۵
- سیاست‌های کارتر در قبال ایران ۴۵
- روابط نهضت آزادی و ایالات متحده ۴۷
- اقدامات عملی کارتر در راه براندازی جمهوری اسلامی ایران ۴۸
- روابط ایران و آمریکا در دوران ریگان ۴۹
- روابط ایران و آمریکا در دوران بوش پدر ۵۵
- روابط ایران و آمریکا در دوران کلینتون ۶۱
- سیاست مهار دو جانبه ۶۲
- قانون داماتو ۶۳
- اقدامات براندازی ۶۴
- روابط ایران و آمریکا در دوران بوش ۶۶
- برنامه‌های هسته‌ای ۷۰
- قرارگیری ایران در لیست محور شرارت ۷۳
- جنگ پیش‌دستانه ۷۵
- مسئله تروریسم ۷۷
- عراق جدید: میدان اصلی تضاد نقش‌ها در دوران بوش ۸۰
- سیر تحول روابط ایران و آمریکا در دوران اوباما ۸۲
- جمع‌بندی ۹۹

فصل چهارم: راهبردهای نفوذ آمریکا بعد از اجرای برجام

- مقدمه ۱۰۴
- نفوذ و رویکرد مقام معظم رهبری به آن ۱۰۵

۱۰۷	نفوذ سیاسی
۱۰۷	۱- تقویت نفوذ سیاسی
۱۱۷	دریچه‌های نفوذ فرهنگی
۱۲۱	رسانه‌های خارجی و تلاش برای ایجاد واگرایی
۱۳۴	دریچه نفوذ اقتصادی
۱۵۲	گسست در بخش صنعت
۱۵۴	برجام و تلاش برای نفوذ
۱۶۷	نتیجه‌گیری
۱۷۱	منابع

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۹	جدول ۱-۲ طیف قدرت در ابعاد مختلف
۲۷	جدول ۲-۲ مهم ترین شاخصه های جنگ نرم
۳۹	جدول ۳-۲ قدرت نرم در عصر جهانی اطلاعات

فصل اول:
چارچوب نظری

در سال‌های گذشته و به موازات افزایش مطالعه و پژوهش در حوزه امنیت ملی در کشورمان، مفهومی با عنوان تهدید نرم مورد توجه بسیاری از کارشناسان و سیاست‌ورزان عرصه امنیت و سیاست خارجی کشور قرار گرفته است. این مفهوم که در نقطه مقابل مفهوم شناخته شده «تهدید سخت‌افزاری و نظامی» طرح می‌شود، هر آنچه را که جزو تهدید نظامی تعریف نشده است، در بر می‌گیرد. مؤلفه‌هایی هم چون عملیات روانی، تهدیدهای رسانه‌ای، اختلاف‌افکنی‌های قومی و مذهبی، ایجاد و گسترش بی‌اعتمادی میان مردم و نظام و بسیاری موارد دیگر را می‌توان در این حوزه گنجانند. با توجه به این مهم، در این فصل ابتدا با کلیات مربوط به جنگ نرم آشنا می‌شویم و سپس چارچوب نظری این پژوهش را که بر اساس نظریات جوزف نای است، تحلیل می‌گردد.

کلیات مربوط به جنگ نرم

تعاریف از جنگ نرم

در خصوص جنگ نرم، تعاریف متعددی از سوی اندیشمندان و نویسندگان مختلف بیان شده است. در ذیل چند مورد از این تعاریف بیان می‌شود:

تهدید نرم را می‌توان تهدیدی دانست که باعث دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی گردد. تهدید نرم نوعی اعمال قدرت با روش‌های نرم‌افزارانه در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تأثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم، محقق می‌شود. تهدید نرم زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس

کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند (نائینی ۱۳۸۸، ۱۲۹).

در تهدید نرم عامل تهدید به دنبال فراهم کردن الگوهای اقتاعی است و تلاش می‌کند که مخاطب را به گونه‌ای تحت تأثیر قرار دهد که ترجیحات و اولویت‌های خود را مطابق خواسته‌های عامل فهم و درک نماید (کرمی ۱۳۸۶، ۴۷-۴۶).

تهدید نرم عبارتست از هرگونه اقدام غیر خشونت آمیز که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگوهای رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای نظام حاکم در تعارض داشته باشد (ذوالفقاری و عصاریان نژاد ۱۳۸۹، ۱۵۱).

اگر بخواهیم تفاوتی میان جنگ نرم و قدرت نرم داشته باشیم باید اشاره داشت که قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن به جای اجبار و یا امتیاز می‌باشد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و اقتصاد صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت پیدا نماید، قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بدون اینکه برای این کار هزینه زیادی صرف کنید، بپذیرند، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید (ره پیک، کلاه چیان ۱۳۸۸، ۶). در قدرت نرم، مخاطب نه از روی جبر و اکراه بلکه با رضایت مندی قدرت را می‌پذیرد و به خواسته قدرتمند تن در می‌دهد. در قدرت نرم بر روی ذهن‌ها سرمایه‌گذاری می‌شود و با تغییر در ذهنیت‌ها نوعی عینیت مجازی تولید می‌شود (برزنونی ۱۳۸۶، ۱۲۵). قدرت نرم توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران از طریق تأثیر گذاشتن بر اولویت‌های آنها است (ووینگ ۱۳۸۸، ۵). در حالی که جنگ نرم در پی از پای در آوردن اندیشه و تفکر جامعه هدف است تا حلقه‌های فکری و فرهنگی آن را سست کند و با بمباران خبری و تبلیغاتی در نظام سیاسی-اجتماعی حاکم تزلزل و بی‌ثباتی تزریق کند (ماه پیشانیان ۱۳۸۸، ۲).

قدرت نرم؛ نگاهی نو به رقابت در سیاست بین‌الملل

قدرت نرم به عنوان یک مفهوم مشخص برای نخستین بار توسط جوزف نای در دهه هشتاد میلادی طرح شد و پس از آن کانون بسیاری از تلاش‌های نظری در روابط بین‌الملل قرار گرفته است. در این راستا، باید اشاره داشت که غرب از مفهوم قدرت نرم بهره می‌گیرد، در حالی که ما آن را جنگ نرم می‌دانیم. جوزف نای معتقد است آنچه وی با عنوان قدرت نرم درباره آن سخن گفته است در حقیقت:

راه غیرمستقیم دست یابی به خواسته‌هاست... راهی که در آن از تهدید و سیاست چماق و هویج خبری نیست... در قدرت نرم، دیگران بیش از آن که به کاری مجبور شوند، به همکاری گرفته می‌شوند و این از آن‌رو است که دیگران ترغیب می‌شوند که همان چیزهایی را بخواهند که ما می‌خواهیم... لذا قدرت نرم بر قابلیت شکل دادن به علایق دیگران تکیه دارد (نای ۱۳۸۷، ۴۳).

هدف نهایی پروژه‌ی تولید قدرت نرم، به ثمر رساندن نتیجه دلخواه در رقابت از طریق تضمین «پیروی» و «اطاعت» سوژه است. به این مفهوم، قدرت نرم یعنی «قدرتی که شما (فارغ از اجبار و تهدید) انسان‌ها را ترغیب کنید تا کاری را انجام دهند که شما می‌خواهید. پس قدرت نرم زمانی موفق است که بتواند پیروی ایجاد کند». این پیروی با خواست مقلد توأم خواهد بود و او بدون آن که احساس زور یا تهدید کند، از خواست نهفته در پس قدرت که معطوف به منافی است، پیروی می‌کند (چگنی زاده، سیفی ۱۳۹۱، ۲۰۹).

قدرت نرم از این حیث که ابژه خود را در عین رضایت مندی به تأمین منافع مورد نظر سوق می‌دهد مدنظر ما است. اگر اصل رضایت مندی را به عنوان یک اصل اساسی و یک ویژگی ماهوی برای قدرت نرم به شمار آوریم، دیگر نمی‌توان آن را بعدی مکمل برای ابعاد دیگر قدرت تلقی کرد. به همین دلیل است که نای معتقد است «به کارگیری قدرت سخت می‌تواند منجر به کاهش قدرت نرم شود» و این از آن‌رو است

که کاربرد قدرت سخت در بسیاری موارد از جذابیتی که قرار است توأم با رضایت مندی اهداف را تأمین کند، می‌کاهد» (چگنی زاده، سیفی ۱۳۹۱، ۲۱۰).

آنچه باعث می‌شود موضوع قدرت نرم اهمیت یابد، همانا استقلال تأثیرگذاری آن از قدرت سخت است. طرف آن که در برخی موارد می‌تواند در تعارض با قدرت سخت نیز قرار گیرد. این نوع قدرت به روایت نای از حیث منبع دارای سه حوزه است: الف) فرهنگ یک کشور (آن بخش‌هایی که برای دیگران دارای جذابیت است) ب) فرهنگ بسیار سخت است (در مواردی که در داخل و خارج مورد توجه باشند) ج) بالأخره (در صورتی که قانونی و مسئولانه به نظر برسد) (نای ۱۳۸۷، ۵۱).

یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح در بحث از قدرت نرم، نحوه تعریف و فهم ما از مفهوم قدرت است. در این مفهوم می‌توان گزاره‌هایی هم چون کنترل رفتار حریف، کنترل فرآیندهای سیاسی و یا شکل‌دهی به نتایج مطلوب را مدنظر داشت. این موضوع اگرچه در نظریه‌پردازی نای از قدرت، به طور مشخص با تأکید بر گزاره اول خودنمایی می‌کند، اما دیگر تعاریف فرآیند و نتیجه‌ای از این مفهوم نیز به طور ضمنی مطمح نظر این نویسنده قرار گرفته است (چگنی زاده، سیفی ۱۳۹۱، ۲۱۲).

هنگامی که کشورها قدرت خود را در نظر دیگران مشروع جلوه دهند، با مخالفت کمتری با خواست‌های خود روبرو خواهند شد. اگر فرهنگ و ایدئولوژی کشوری جذاب باشد دیگران با میل و رغبت بیشتری از آن کشور تبعیت می‌کنند. اگر کشوری بتواند قواعد بین‌المللی را به گونه‌ای که متناسب با منافعش باشد شکل دهد، به صورت طبیعی سیاست‌های اجرایی آن به دلیل انطباق با قواعد بین‌المللی مذکور، از مشروعیت بیشتری نزد دیگران برخوردار خواهد بود. به همین سیاق اگر چنین کشوری از این سازمان‌ها و قواعد برای ترغیب دیگر بازیگران جهت تحدید رفتارها و یا اصلاح سیاست‌هایشان در راستای اهداف موردنظرش بهره بگیرد، به طوری که با صرف هزینه کمتری همراه باشد، میزان بیشتری از اهدافش را محقق خواهد ساخت (نای ۱۳۸۷، ۵۱).

قدرت‌های بزرگ به واسطه قابلیت‌های خود در حوزه قدرت نرم، «زمین بازی» را در عرصه روابط بین‌الملل ترسیم می‌کنند و دیگران ناگزیر از انطباق رفتاری با قواعدی از پیش تعیین شده هستند.

یک وجه مهم از قدرت نرم، قابلیت تأسیس هنجارها و ارزش‌ها است که قواعدی را می‌سازند که از آن طریق خواسته بازیگر حاصل می‌شود. یکی از امکاناتی که قدرت برای دارنده‌اش ایجاد می‌کند، توانایی هنجارسازی در عرصه‌ای و رای عرصه حاکمیتی قهرآمیز است. این هنجارها از آن رو ایجاد می‌شوند که برای خواست‌های قدرت مزبور ایجاد مشروعیت کنند و موفقیت در این هدف رابطه مستقیمی با موفقیت در اعمال قدرت سخت خواهد داشت، مثلاً «ناتو با استفاده از قدرت نرم به عمل خود در فضای نظام بین‌الملل مشروعیت می‌بخشد، در حالی که اتحاد شوروی در جنگ سرد این گونه نبود و فقدان قدرت نرم مؤثر برای بلوک شرق به فقدان مشروعیت خواست‌ها منجر شده بود» (وطن دوست و معادی خواه ۱۳۸۹، ۲۲).

بسیاری از مفاهیم عام بین‌المللی مانند «توسعه اقتصادی»، «حقوق بشر» و «عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای» و مفاهیمی از این دست و همچنین نهادهایی با شأن بین‌المللی که این مفاهیم را در دستور کار خود قرار داده‌اند، در عین اینکه به مثابه مصالح عمومی نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند و مفاهیمی دارای وجاهت در افکار عمومی دنیا هستند، اما در بسیاری از موارد به عنوان تقویت‌کننده قدرت نرم برای برخی کشورها عمل می‌کنند. این نوع کار ویژه در رفتار قدرت‌های بزرگ و به ویژه ایالات متحده کاملاً مشهود است. آمریکا بر مبنای معنای مشروعی که از حقوق بشر و عدم اشاعه مستفاد می‌شود، افکار عمومی جهان و حتی نخبگان دیگر کشورها را به تحریم و یا جنگ علیه کشورهایی که تهدید علیه آنها وامی‌دارد. این در وضعیتی رخ می‌دهد که همراهی دیگران با آمریکا تنها به واسطه آن است که تلقی آنها از این مفاهیم با تلقی ایالات متحده بسیار نزدیک است اما لزوماً یکسان نیست (چگنی زاده و سیفی ۱۳۹۱، ۲۳۵).

نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت‌های تهدیدات، در به کارگیری روش‌ها، ابزارها و... است. تهدید می‌تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سرزمین، نابودی و کشتن انسانها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می‌تواند با تکیه بر روش‌های سیاسی، روانی و شیوه‌های غیرخشونت‌آمیز و با به کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. بی‌تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت. از همین رو، قدرت‌های استکباری با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت‌ها و نظام‌های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می‌ریزند یا برای سرعت بخشیدن در اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به منظور سلب اراده و انگیزه نبرد در نخبگان یک کشور، مردم و نیروهای مسلح بهره می‌گیرند و عملاً خاکریزهای دفاعی کشور بدون خونریزی سقوط می‌کند.

آمریکا ناگزیر است برای حفظ قدرت خود نسبت به مفاهیمی که در سطح سیستم مطرح می‌شوند بسیار بیشتر از دیگر بازیگران حساسیت به خرج دهد و آنها را پردازش کند. این مفاهیم، قدرت نرمی را برای آمریکا فراهم آورده‌اند که انطباق‌پذیری حوزه داخلی ایالات متحده با حوزه بین‌المللی را به بالاترین سطح خود در میان کشورهای جهان رسانده است؛ به طوری که انطباق با بسیاری از ارزش‌ها، قواعد و یا نهادهای بین‌المللی در واقع انطباق با ارزش‌ها و قواعد آمریکایی است و ایالات متحده نیز مسئول به رسمیت شناخته شده ارائه پاداش‌های تبعیت‌کنندگان و یا اعمال مجازات‌ها علیه تخطی‌کنندگان از این ارزش‌هاست. به طور کلی، مهم‌ترین حوزه‌ای که قدرت نرم می‌تواند موضوع بحث قرار دهد، آنجا است که یک بازیگر بتواند شناخت یک بازیگر دیگر یا مجموعه بازیگران (ساختار) را، به نفع خود، تحت تأثیر قرار دهد (نصیری ۱۳۸۸، ۶۲).

فواید و ارزش قدرت نرم

بایستی اشاره داشت که قدرت نرم محدود به رسانه‌ها نیست، بلکه به هنجارسازی‌ها توجه دارد. در واقع مباحث مربوط به قدرت نرم فقط رسانه نیست، بلکه رسانه ابزار قدرت نرم است. قدرت نرم چنانچه به صورت مؤثر اعمال گردد، نتایج و آثار دیرپایی برای ساختار سیاسی اعمال کننده آن فراهم می‌کند. این نتایج را می‌توان به دو صورت زیر بیان داشت:

۱- وجود قدرت نرم در یک ساختار سیاسی، اجتماعی باعث می‌شود که نیاز به هزینه کردن و جمع آوری منابع گران قیمت قدرت سخت برطرف شود و یا کاهش قابل ملاحظه‌ای یابد. یعنی قدرت نرم از عقلانیت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است.

۲- از آنجا که قدرت نرم به منزله جایگزینی برای سیاست معطوف به قدرت قلمداد می‌شود اغلب توسط دانشوران و سیاست گذاران اخلاق گرا ترویج می‌شود (امام زاده فرد ۱۳۸۹، ۱۵۴).

تفاوت بین قدرت نرم و قدرت سخت

قدرت نرم با قدرت سخت تفاوت‌هایی در محتوا و شکل ظاهری دارد که به شرح زیر است:

۱. در قدرت سخت، قدرت به امر کردن تعبیر شده و به تنهایی تأثیرپذیر نیست اما قدرت نرم با عنصر اقتناع تعریف شده که حتی به تنهایی نیز تأثیر گذار است.
۲. قدرت سخت دارای ساختار هرمی با منطق بالا به پایین است حال آن که قدرت نرم برعکس قدرت سخت عمل می‌کند و منطق آن از پایین به بالا است و همه گیر و همه جانبه عمل می‌کند.

۳. هزینه‌های استفاده از قدرت سخت بسیار بالا است اما در قدرت نرم هزینه‌ها پایین است چرا که دیگر نیازی به تهدید و جنگ نظامی نیست و بر سرمایه‌های اجتماعی و مردمی استوار است.

۴. قدرت نرم بر اراده‌ها، فکرها و ایدئولوژی تأثیرگذار است اما قدرت سخت بر مؤلفه‌های فیزیکی و سرمایه‌های مادی استوار است (افتخاری، ۱۳۸۴، ۲۹-۲۸).

۵. قدرت سخت به لحاظ آرمانی به پیشبرد منافع ملی بر مداخله‌ی نظامی، دیپلماسی قهری و تحریم‌های اقتصادی استوار است اما در مقابل قدرت نرم، بر دیپلماسی عمومی، روابط فرهنگی و اقتصادی تأکید دارد (نای، ۱۳۸۷، ۳).

۶. قدرت سخت عملکرد رسمی یک دولت و کشور است اما در قدرت نرم فعالان فرهنگی می‌توانند آثار خود را بر دیگر دولت‌ها به صورت فرامرزی بگذارند و فقط بر اقدام‌های دولتی و حکومتی مبتنی نیست

۷. اصل مهم در قدرت نرم، جذابیت و ویژگی است که مردم و افکار عمومی را متقاعد می‌سازد اما در قدرت سخت جذابیت حرف اول را نمی‌زند بلکه به زور و اجبار افراد را متقاعد می‌سازد. در شکل زیر طیف قدرت را در ابعاد مختلف آن می‌بینید (کلک، ۱۳۸۵، ۱۴).

جدول ۲-۱ طیف قدرت در ابعاد مختلف

قدرت نرم	قدرت سخت	
تنظیم دستور کار جذابیت همکاری	فرمان - اجبار - انگیزه	طیف رفتار
مؤسسات - ارزش‌ها فرهنگ - سیاست‌ها	زور - تحریم رشوه - پرداخت پول	محتمل‌ترین منابع

جدول برگرفته شده از مقاله طرح الگوی مناسب کاربرد منابع قدرت نرم در تأمین امنیت جمهوری اسلامی ایران، سیامک ره پیک، محمود کلاه چیان، فصلنامه دفاعی استراتژیک، زمستان ۱۳۸۸

ویژگی‌های قدرت نرم

قدرت نرم زمانی وارد عمل می‌شود که ما بتوانیم دیگران را قانع کنیم آنچه را ما می‌خواهیم بخواهند بدون اینکه در این راه از زور استفاده کنیم، پاداشی بدهیم یا آنان را اغوا کنیم (بلیک، گلشن پژوه ۱۳۸۹، ۱۲۶).

در این راستا، ویژگی‌های قدرت نرم را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- تاریخی و سنتی است: قدرت نرم هر کشوری برآمده از یک دوره‌ی تاریخی است که به صورت یک فرهنگ قوی و ریشه‌ای درآمده و نتیجه‌ی آن یک روند تکاملی است که می‌تواند به عنوان یک الگو برای دیگر بازیگران روابط بین‌الملل مورد پذیرش قرار گیرد.

۲- با زمان حرکت می‌کند: قدرت نرم از لحاظ زمانی به هیچ وجه عقب نیست بلکه می‌تواند جلوتر از زمان خویش نیز حرکت کند. ظهور فناوری اطلاعات و رسانه‌های جمعی سبب بروز چنین ویژگی در قدرت نرم گشته است. در مورد تأثیر رسانه‌ها و فناوری اطلاعات «گابریل تارد» اندیشمند فرانسوی می‌گوید که رسانه‌ها مرزهای کشورها را می‌پیماند و در افکار مردم جهان جا می‌گیرند. جوهره‌ی قدرت نرم به گونه‌ای است که قابلیت به روز شدن را دارد و به همین خاطر توانایی اغوا و جذب مردم را دارد (مهرعطا ۱۳۸۹، ۵-۴).

۳- همه‌جا و همه‌گیر است: قدرت نرم یک قدرت جهانی است. عصر اطلاعات استفاده از اینترنت، ماهواره، رسانه‌های جمعی و جراید، برداشته شدن مرزهای سیاسی و اقتصادی تأثیر قدرت نرم را جهانی کرده است و کشوری که از لحاظ فرهنگی بتواند تأثیر عمده بر افکار عمومی جهان بگذارد قدرت نرم خود را جهانی کرده است.

۴- پویا و قابل تغییر است: قدرت نرم یک عنصر ایستا نیست بلکه یک فرآیند پویا و تغییرپذیر است. برعکس قدرت سخت که مؤلفه‌ی ثابت تهدید را دارد، قدرت نرم در هر شرایطی قابل تغییر بوده و نسبت به نیاز افکار عمومی و فرهنگ مردم تغییر می‌کند.

۵- وابسته است: از ویژگی‌های عمده‌ی قدرت نرم وابستگی آن به قدرت سخت است. جوزف نای اعتقاد دارد که ترکیب قدرت نرم و سخت یک قدرت هوشمند را ایجاد می‌کند. قدرت نرم یک مکمل و تقویت کننده‌ی قدرت سخت است به طوری که وجود هر دو می‌تواند یک کشور را به یک قدرت منطقه‌ای یا جهانی تبدیل نماید (افتخاری ۱۳۸۷، ۲۳-۲۲).

۶- جنگ نرم در پی تغییر قالب‌های ماهوی جامعه و ساختارسیاسی است:

در این جنگ، اعتقادات، باورها و ارزش‌های اساسی یک جامعه برای تغییر مورد هجوم قرار می‌گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب‌های تفکر و اندیشه دگرگون شده و الگوهای رفتاری جدیدی شکل می‌گیرد. الگوهای رفتاری جدید به گونه‌ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختار شکنی جهت می‌یابد (محمدی ۱۳۸۸، ۴).

نمونه‌های فراوانی از کاربرد تهدید نرم در صفحات تاریخ وجود دارد. در حال حاضر، همه کشورها به نوعی دیگر در معرض این نوع تهدید هستند. قدرت‌های استکباری، تشکیلات، امکانات و نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این جنگ قرار داده‌اند. با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده تر و پیچیده تر شده است.

منابع تهدید نرم

تهدید نرم برای اینکه بتواند در هدف مؤثر گردد، نیازمند به یک سری بسترها و زمینه‌هایی است که باید در هدف وجود داشته باشد تا تهدید آنها را فعال نماید و از آن طریق سطحی از منافع را مخدوش کند. مهم‌ترین این منابع عبارتند از:

- ۱- رسانه‌ها: رسانه با ایجاد تحول در باورها، ارزش‌ها، اعتقادات و باورها، تصاویر، ادراکات و ذهنیات جامعه زمینه را برای اقناع و پذیرش آماده می‌کند. این وضعیت باعث شدت تا پیام‌ها، نمادها، اخبار و اطلاعات اهمیت خاص پیدا کند.
- ۲- ایدئولوژی‌های معارض با ایدئولوژی نظام سیاسی مستقر: ایدئولوژی به عنوان یک طرح کلی که بیان‌گر خطوط اصلی و باید و نبایدها، اهداف، تکالیف، نیازها، مسئولیت‌ها و... یکی از مهم‌ترین منابع قدرت است و نقش اساسی در اعمال قدرت، بسیج منابع، مشروعیت بخشی به نظام سیاسی، شکل‌دهی افکار عمومی و... دارد.
- ۳- جذابیت‌ها و مطلوبیت سیاست‌ها و روندهای جاری عامل قدرت: بدیهی است اگر سیاست‌ها و روندهای دشمن برای بازیگر مورد تهدید مورد پذیرش نباشد عملاً امکان شکل‌گیری تهدید نرم حریف وجود ندارد و تهدیدی منعقد نمی‌گردد.
- ۴- بهره‌گیری از فن آوری ارتباطی قوی و کارآمد: بازیگر مهاجم برای اینکه بتواند دیگران را از طریق امکانات رسانه‌ای اش تحت تأثیر قرار دهد، لازم است که از امکانات ارتباطی قوی برخوردار باشد.
- ۵- برخورداری از شبکه وسیع و کارآمد با عناصر مؤثر در هدف به گونه‌ای که بتوان از آن طریق دسترسی به اهداف را تسهیل نمود: بدیهی است زمانی که تهدیدات نرم توسط نخبگانی در کسوت و لباس خودی تبلیغ می‌شود، ضمن اینکه از بیشترین اثرگذاری برخوردارند، کمترین مقاومت را در برابر خود احساس خواهند نمود.
- ۶- برخورداری از یک دیپلماسی قوی و کارآمد و مؤثر در هدف: این دیپلماسی پویا و کارآمد است که سیاست‌ها و روندهای دشمن را برای بازیگران مورد تهدید مطلوب و جذاب جلوه می‌دهد تا بدون هیچ گونه مقاومتی سیاست‌های حریف را بپذیرند.
- ۷- هماهنگی لازم بین سیاست‌های اعلامی و سیاست‌های اعمالی: بدیهی است در مواردی که این هماهنگی وجود نداشته باشد، این نقطه ضعف مانع از ایجاد تهدید نرم حریف می‌گردد (حسن بیگی، ۱۳۸۶، ۱۸-۱۷).

فضاهای جنگ نرم

مهم‌ترین فضاهایی که جنگ نرم در آنها عمل می‌کند، فضاهای اجتماعی، فضاهای سیاسی و فضاهای فرهنگی هستند. هرچند نمی‌توان نقش فضاهای امنیتی و نظامی، امنیت‌های عاطفی و... را نیز نادیده گرفت. در این راستا، سه فضای مهم عملکردی جنگ نرم را تشریح می‌کنیم:

تهدید نرم در فضای اجتماعی

در این حوزه (اجتماعی) تهدید نرم مؤلفه‌هایی از قبیل هویت ملی، وفاق و انسجام اجتماعی و... را به عنوان اهداف مرجع امنیت به چالش می‌کشد. معمولاً در فضای اجتماعی به دلیل سیالیت زیادی که این پدیده‌ها دارند، چندان با تهدید و فرصت عینی مواجه نیستیم و بعد از ورود پدیده‌ها به فضاهای بعدی (سیاسی و امنیتی) است که تهدیدها و فرصت‌ها عینیت پیدا می‌کنند. معمولاً شناخت پدیده‌ها پس از ظهور عینی شان مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. لیکن شرط لازم و کافی برای شناخت، عینیت یافتن پدیده‌ها نیست. به عبارتی موضوعات قبل از مقطع ظهور عینی وجود دارند و تأثیر گذارند.

در بعد اجتماعی جنگ نرم، هنجارها نقش مهمی دارند. اهمیت و کارکرد بسیار چشمگیر هنجارهای اجتماعی در جامعه سبب گردیده است که طراحان جنگ نرم ایجاد اختلال در آن را به عنوان یکی از اهداف بسیار مهم خود قرار دهند. ضوابطی که برای تشخیص انواع هنجارها به کار برده می‌شوند، عبارتند از: میزان آگاهی مردم از هنجارها (کم یا زیاد)، میزان درونی شدن هنجار (درونی، بیرونی)، مدت زمان پایداری هنجار (کم یا زیاد)، تعداد افراد پیروی کننده (کم یا زیاد) میزان الزامی بودن هنجار (کم یا زیاد) و میزان رسمی یا غیر رسمی بودن (رسمی یا غیررسمی) (ماه پیشانیان ۱۳۸۸، ۱۰).

رویکرد معرفت‌شناسانه در فضای اجتماعی از چگونگی تکوین و شکل‌گیری پدیده‌ها و تهدیدات بحث نموده و راه را برای طراحی و اجرای مدیریت پیشگیرانه فراهم می‌سازد. تهدید در این فضا دارای ویژگی‌هایی به شرح، تغییر، تحول و سیال بودن،

تکاملی و فرآیندی بودن، بازتابی بودن معنی، دارای هویت جمعی برخوردار بوده و گزاره‌هایی به شرح زیر است: ۱- در این مقطع، تهدیدات دارای هویت نامحسوس و متحول اند و چیزی به عنوان تهدید عینی وجود ندارد. ۲- شبکه روابط علی در حوزه تهدیدات غیرمستقیم و پیچیده است و متغیرهای واسط بسیاری وجود دارد که جا برای مداخله را فراهم می‌سازد. کشف روابط در این مرحله سخت و مشکل است. ۳- همه پدیده‌های اجتماعی که با نگاه تهدید آمیز یا فرصت آمیز شناسانده می‌شوند، دارای برد زمانی متوسط یا بالا می‌باشند. در این مرحله، پدیده‌ها دارای تغییر و تحول اند. ۴- مدیریت تغییرات در این مرحله با هزینه کم تر و تأثیر بیشتر انجام می‌شود. مانند مطالبی که در کودکی به افراد آموخته می‌شوند، هم کم هزینه ترند و هم ماندگارتر (کریمی ۱۳۸۶، ۴۹-۴۸).

تهدید نرم در حوزه سیاسی

تهدید اعم از سخت و نرم در حوزه سیاسی به دنبال ایجاد بی‌ثباتی در سازمان دولت است. ایدئولوژی به عنوان مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ایده‌ها راجع به نظام و کنش سیاسی، اجتماعی چگونگی اجرای آنها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی عمل می‌کند به گونه‌ای که هویت و ماهیت واحد سیاسی را شکل می‌دهد و مشروعیت آن را تضمین می‌نماید. تلاش‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای دشمن در راستای ایجاد همبستگی و پیوستگی بین ایدئولوژی سازمان دهنده با پدیده‌هایی از جمله تروریسم، نفی آزادی، حقوق بشر و... علاوه بر توسل خشونت علیه آنها از طریق مهندسی سیاسی و اجتماعی و اصلاح دینی، استحاله‌ی آن را در پی دارد.

از طریق ثبات زدایی، نامشروع سازی و ناکارآمد ساختن نظام سیاسی با از بین بردن کارآمدی و مشروعیت نهادها و ایدئولوژی سیاسی، به تدریج مقبولیت و مشروعیت نیز از بین می‌رود و رفته رفته شرایط برای جایگزینی نظام سیاسی فراهم می‌شود. تهدید نرم در حوزه سیاسی در مؤلفه‌های مهم دیگری هم چون مشارکت سیاسی و القای حاکمیت دوگانه که به نوبه خود می‌تواند منبع و مبنای مشروعیت را به چالش بکشاند و الگوهای

مشارکت را دچار دگرگونی و تحول کند، دارای کارکرد و اثرگذاری قابل توجهی است (کرمی ۱۳۸۶، ۵۰-۴۹).

هر نظام سیاسی برای حفظ بقامندی خود، نیازمند ثبات سیاسی و انسجام ملی است. بنابراین، افزایش مشروعیت سیاسی نخبگان و رهبران یک کشور به توانایی‌های آنها در ایجاد انسجام سیاسی و برخورداری از حمایت، رضایت‌مندی و قدرت اقناع‌سازی افکار عمومی بستگی دارد. به طور طبیعی در صورتی که دولتی نتواند قدرت سیاسی لازم را در حوزه داخلی و خارجی ایجاد کند، با بحران‌ها و تهدیدات مختلف سیاسی مواجه خواهد شد.

ایجاد شکاف بین مردم و رهبران، نبود حمایت مردمی و مشروعیت بخشی به تصمیمات رهبران و شکل‌گیری نافرمانی‌های مدنی در جامعه بحران مشروعیت به وجود می‌آورد. انگیزه زدایی و دل‌سرد کردن مردم برای حضور در عرصه‌های تعیین‌کننده کشور، مصادیق بارز بحران مشارکت است. همچنین توزیع نامناسب ثروت، شأن اجتماعی و امنیت در ایجاد بحران توزیع مؤثر است. تلاش برای تأثیرگذاری بر اراده و تصمیمات نخبگان و رهبران با ارباب و تطمیع از مصادیق بحران نفوذ به شمار می‌آید. مجموعه این موارد قدرت نرم یک نظام سیاسی را کاهش می‌دهد و به طور طبیعی آن نظام را در برابر تهدید نرم آسیب‌پذیر می‌کند.

تهدید نرم در حوزه فرهنگی

برخی از عوامل فرهنگی که تولیدکننده و یا تقویت‌کننده قدرت نرم هستند عبارتند از: ترویج زبان و ادبیات، تبلیغ آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی، ارتباط دیپلماتیک و گسترده فرهنگی، مناسبات و روابط فرهنگی، ارائه تصویر مطلوب از خود، بهره‌گیری مناسب از اطلاعات و فرهنگ در راستای مقاصد دیپلماتیک، زدودن ذهنیت‌های تاریخی نامطلوب، کسب جایگاه علمی پیشرفته، قدرت نفوذ در باورها و ارزش‌ها و...

در کل هرگونه اقدامی که منجر به تغییر در الگوهای رفتاری منطبق با ارزش‌های نظام حاکم باشد، در زمره تهدیدات نرم آن حوزه قرار می‌گیرد. چالش‌های هویتی که معطوف به امنیت اجتماعی یا هویتی نظام سیاسی می‌باشد که عبارتست از توانایی مردم و ملت در استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول خود با حفظ فرهنگ، زبان، مذهب و...، اگر شیوه زندگی و سایر مؤلفه‌های آن به خطر افتد، از مصادیق تهدید نرم محسوب می‌شود.

تهدید نرم در حوزه فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار است و مسائل گوناگونی هم چون زبان، مذهب، فرهنگ و... در فهرست مسائل فرهنگی قرار می‌گیرد. استیلای فرهنگی وسیله‌ای برای ایجاد ساختارهای فرهنگی مشابه در جوامع دیگر می‌باشد و از آنجا که رابطه بین فرهنگ و قدرت رابطه‌ای قابل توجه است، از این رهگذر با ایجاد تهدیدات نرم فرهنگی امنیت ملی را به چالش می‌کشند و در واقع این همان است که می‌گویند نظام سیاسی زمانی سقوط می‌کند که ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر آنان برای شهروندانشان فاقد ارزش شده باشد (کرمی ۱۳۸۶، ۵۳-۵۲).

فرهنگ استراتژیک کشور بر نوع تلقی و الگوهای رفتاری نخبگان و رهبران یک کشور و توان دیپلماسی آن تأثیر می‌گذارد. در صورت وقوع تهدید نرم، در این سطح کشور حریف می‌تواند با مدیریت ادراک، اندیشه و عزم رهبران و نخبگان خودی را (باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری آنان) تحت تأثیر قرار دهد. همچنین فرهنگ ملی، شامل باورها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری نهادینه شده در جامعه است که تهدید نرم در این حوزه می‌تواند بر آنها تأثیر گذارد. همچنین فرهنگ دفاعی کشور که منبع قدرت نرم در نیروهای مسلح است در صورت وقوع تهدید نرم در این سطح، موجب از بین رفتن عزم و اراده نبرد و قدرت بازدارندگی روانی می‌شود.

توجه به جدول زیر بیشتر می‌تواند ما را به ابعاد مهم مسأله رهنمون سازد.

جدول ۲-۲ مهم ترین شاخصه‌های جنگ نرم

ردیف	شاخص‌های فرهنگی	شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های سیاسی
۱	تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های پایه	از خود بیگانگی و بحران هویت	تغییر ترجیحات سیاسی
۲	تغییر الگوهای شناختی	کاهش انسجام اجتماعی	رواج بی‌تفاوتی سیاسی
۳	گرایش به الگوهای غربی	کاهش روحیه ملی	افزایش مطالبات سیاسی
۴	گرایش به رسانه‌های غربی	افزایش گسست ملی	افزایش احتمال وقوع انقلاب رنگی
۵	رواج به گرایش‌های خرافاتی	القای احساس ناامنی اجتماعی	افزایش واگرایی ملی
۶	ترویج نسبی‌گرایی	تشدید آسیب‌های اجتماعی	آمادگی برای نافرمانی مدنی
۷	القای ناکارآمدی دین در اداره جامعه	تغییر آداب و رسوم	بحران مدیریت و کارآمدی نظام
۸	کاهش خودباوری ملی	رواج فمینیسم	بحران مشروعیت سیاسی
۹	افزایش سلفی‌گری	افزایش بی‌اعتمادی عمومی	رواج لیبرالیسم
۱۰	رواج واژگان مبتذل در جامعه	کاهش رضایت از زندگی	ابجاد گسست بین مردم و حاکمیت
۱۱	از میان رفتن قبح روابط با نامحرم	تغییر در سبک زندگی	رواج سازمان‌های مردم نهاد مخالف
۱۲	ترجیح محصولات فرهنگی غربی	رواج احساس تبعیض و بی‌عدالتی	شکل‌گیری و انسجام احزاب مخالف
۱۳	ترجیح سبک زندگی غربی	ترویج واگرایی قومی	کاهش اعتماد به رسانه ملی
۱۴	کاهش رفتارهای مذهبی	کاهش سرمایه اجتماعی	افزایش تنش‌های سیاسی
۱۵	تغییر نگرش به پوشش	کاهش دلبستگی ملی	رواج و نشر شایعه و شبهات سیاسی
۱۶	رواج تصاویر غیر اخلاقی	کاهش آستانه تحمل جامعه	آمادگی برای کنش اعتراض‌آمیز

جدول از مقاله درآمدی بر ماهیت شناسی جنگ نرم، نویسنده علی محمد نائینی، فصلنامه دفاعی استراتژیک،

۱۳۸۸، ۲۲

روش‌های اعمال تهدید نرم

روش‌های اعمال تهدید نرم را می‌توان به دو دسته کلی: روش‌های گفتاری و روش‌های رفتاری تقسیم کرد. در این راستا، روش‌های گفتاری شامل: دیپلماسی عمومی، عملیات ادراکی، عملیات روانی، فریب استراتژیک می‌گردد. روش‌های رفتاری نیز شامل: اعتراض، عدم همکاری، مداخله غیرخشونت‌آمیز، تشجیع و جذب و جنگ رایانه‌ای می‌گردد. در ذیل هریک از موارد مطرح شده را به اختصار توضیح می‌دهیم:

روش‌های گفتاری

۱- روش دیپلماسی عمومی

این روش به معنای کاربرد ابزارهای بین فرهنگی و ارتباطات بین‌الملل در سیاست خارجی است و به گونه‌ای فراگیر شامل دیپلماسی فرهنگی و ارتباطی می‌شود. در همین چارچوب، تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل دهی و اجرای سیاست خارجی از اهداف دیپلماسی عمومی است. ایجاد فکر عمومی توسط دولت‌ها در کشورهای دیگر، تعامل گروه‌های خصوصی یک کشور با نظایر خود در کشورهای دیگر، گزارش مسائل خارجی و تأثیر آن بر سیاست، ارتباط میان عناصر حرفه‌ای ارتباط گر مانند دیپلمات‌ها و خبرنگاران خارجی و فرآیند ارتباطات بین فرهنگی از جمله ابعاد دیپلماسی عمومی است (کرمی ۱۳۸۶، ۶۳).

۲- روش عملیات ادراکی

این روش به دنبال تأثیرگذاری بر نگرش‌ها، باورها، عقاید و ارزش‌های طرف مقابل با هدف ایجاد تغییرات در مخاطب تا حد همسو شدن آنان با اهداف و منافع عمل کننده می‌باشد. روش ادراکی بیشتر مبتنی بر ترویج است، یعنی رواج دادن باورها، ارزش‌ها و عقاید متناسب با خواسته‌ها و اهداف خود و نیز مبتنی بر نوعی آموزش جهت ادراک می‌باشد (کرمی ۱۳۸۶، ۶۴).

۳- روش عملیات روانی

در چارچوب اعمال تهدیدات نرم، عملیات روانی تقریباً به طور کامل بر هدف مرجع افکار عمومی متمرکز است و می‌تواند به نتایجی هم چون راه اندازی یک رفتار جمعی مانند اعتراض و اغتشاش منجر شود. شایعه پراکنی، سیاه‌نمایی، بزرگ‌نمایی و کاریکاتوریزه کردن از جمله مهم‌ترین شیوه‌های عملیات روانی می‌باشد (مهری ۱۳۸۹، ۲۱).

۴- روش فریب استراتژیک

فریب استراتژیک به معنای خلق و جعل اطلاعات توسط یک دولت به منظور تحت تأثیر و تحت کنترل قرار دان تصمیمات، طرح‌ها، راهبردها و در مجموع اقدامات مقامات و

مدیران ارشد سیاسی دولت طرف مقابل می‌باشد. روش فریب استراتژیک، به عنوان یک روش در اعمال تهدید نرم یا اقدامات غیرخشونت آمیز بیشتر بر هدف مرجع زیرساخت‌های اطلاعاتی طرف مقابل و به شکل دقیق تر تصمیمات و گزینه‌های استراتژیک می‌باشد (کرمی ۱۳۸۶، ۶۷-۶۵).

روش‌های رفتاری

۱- روش اعتراض

این روش بیشتر علیه نظام‌های سیاسی که بسته تر هستند به کار گرفته می‌شود. در این چارچوب، شیوه‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: بیانیه‌های رسمی، تجمع‌ها، تحصن‌ها، نشست‌های اعتراض آمیز، نشست‌های سیاسی، اقدامات سمبلیک مانند به حرکت در آوردن برف پاک کن ماشینها و غیره (کرمی ۱۳۸۶، ۶۷).

۲- روش عدم همکاری

این روش به منظور کاهش مشروعیت و تضعیف کارآمدی دولت به علاوه کاهش انگیزه همکاران حکومت مورد استفاده قرار می‌گیرد. عدم همکاری در مجموعه آسان‌ترین و کم خطرترین روش‌های غیر خشونت آمیز در اعمال تهدید نرم می‌باشد (کرمی ۱۳۸۶، ۶۷).

۳- روش مداخله غیرخشونت آمیز

در این روش دولت هدف به شکل غیرمستقیم‌تری به چالش کشیده می‌شود. بنابراین، حضور و مشارکت افراد نیز محدودتر خواهد بود اما تأثیرات به مراتب بیشتر است. در این راستا، ایجاد دولت موازی یا دولت در تبعید و همچنین ایجاد نهادها و سازمان‌های جایگزین و ارائه خدمات مستقل از دولت به مردم از مهم‌ترین شیوه‌ها می‌باشد (کرمی ۱۳۸۶، ۶۸).

۴- روش تشجیع و جذب

در این روش، کلیه فعالان مخالف حکومت که بنا به دلایل مختلف توسط حکومت بازداشت، زندانی، تبعید و یا در حصر قرار دارند. کلیه کسانی که استعداد فعالیت‌های ضدحکومتی دارند، مورد توجه می‌باشند. شیوه‌های مورد نظر عبارتند از شیوه‌های رسانه